

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 1, (Serial. 29), Autumn 2021 & Winter 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Dating the Traditions of Prohibition of Building a Mosque on Graves

DOI: 10.30497/qhs.2021.241075.3322

Elaheh Shahpasand *

Received: 13/06/2021

Fatemeh Hosseinzadeh Jafare**

Accepted: 11/09/2021

Abstract

There are traditions narrated from the Holy Prophet (PBUH) with the content of forbidding the construction of a mosque on graves, these traditions deal with the etymology of this practice and returns it to the tribes and followers of the previous religions. These traditions have several writings; based on textual and documentary similarities, they can be divided into six categories: 1- Traditions of Aisha, 2- Traditions of Aisha and Ibn Abbas, 3- Traditions of Ibn Abbas, 4- Traditions of Abu Hurairah, 5- Traditions of ibn Masud, and 6- Traditions of Abu Ubaidah ibn al-Jarrah. The present article has dated these traditions using text-document analysis method. The present study has concluded that the main form of news was prevalent in the first half of the first century, which means forbidding the construction of a mosque on graves as an ethnic feature and condemning this act. However, it can be said that some of the writings that make this practice a religious feature and curse Jews and Christians were created in the first half of the first century. It coincides with the expulsion of the Jews from the Arabian Peninsula and the unification of the region's religion. The development of recent writings has definitely increased over time compared to the mainstream news, and even in later writings we see its political use.

Keywords: *Dating, analysis of documents-text, common circle, prohibition of building a mosque on graves.*

* Assistant Professor, Holy Quran University and Sciences, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) Shahpasand@Quran.ac.ir

** Master of Quran Interpretation and Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran. hosseinzad.fa@Quran.ac.ir



دانشگاه امام صادق علیه السلام



<http://qhs.journals.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۳۷-۱۶۷
مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ‌گذاری اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور

DOI: 10.30497/qhs.2021.241075.3322

الهه شاه‌پسند* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰
فاطمه حسین زاده جعفری** مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

اخباری منقول از پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که در مقام نهی از بنای مسجد بر قبور، به ریشه‌شناسی این عمل پرداخته و آن را به اقوام و پیروان ادیان گذشته بازمی‌گرداند. این اخبار تحریرهای متعددی دارد که براساس شباهت‌های متنی و سندی، می‌توان آنها را به شش دسته تقسیم کرد: ۱- اخبار عایشه، ۲- اخبار عایشه و ابن عباس، ۳- اخبار ابن عباس، ۴- اخبار ابوهریره، ۵- اخبار ابن مسعود، و ۶- اخبار ابوعبیده بن جراح. این مقاله با استفاده از روش تحلیل اسناد - متن به تاریخ‌گذاری این اخبار پرداخته و به این نتیجه رسیده است که صورت اصلی خبر که در مقام نهی از اتخاذ مسجد از قبور به عنوان یک ویژگی قومی و مذمت آن همراه با لعن یهود و نصاری بوده، در نیمه اول قرن اول و همزمان با اخراج یهودیان از جزیره العرب و یکسان‌سازی دین این منطقه رواج پیدا کرده است. تحریرهای دیگر نیز در گذر زمان روند گسترشی داشته و به منظور استفاده‌های سیاسی شکل گرفته است.

واژگان کلیدی

تاریخ‌گذاری حدیث، تحلیل اسناد - متن، حلقه مشترک سند، نهی از بنای مسجد بر قبور.

Shahpasand@Quran.ac.ir

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

hosseinzad.fa@Quran.ac.ir

طرح مسئله

در منابع روایی اهل تسنن، اخباری منقول از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وجود دارد که در مقام نهی از بنای مسجد بر روی قبور، به ریشه‌شناسی این عمل پرداخته و آن را به اقوام و پیروان ادیان گذشته بازمی‌گرداند. یکی از این اخبار، خبر عایشه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که می‌گوید آن حضرت در بیماری منجر به وفاتش فرموده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا»؛ خداوند یهود و نصاری را از رحمت خود دور کند، آن‌ها قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار دادند (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۸).

نتیجه تلاش مسلمانان برای شرح این حدیث به واسطه تبیین عملکرد اهل کتاب این بوده است که یهودیان از قبور انبیای خود به عنوان مسجد استفاده و آن را عبادت می‌کرده‌اند (عینی، ۱۳۴۸ق، ج ۸، ص ۱۳۵)، یا گفته‌اند آن‌ها قبور انبیای خود را برای تعظیم سجده می‌کردند، یا آن را قبله خود گرفته و به سمتش نماز می‌خواندند، و یا حتی آن‌ها را بت خود قرار می‌دادند و به همین جهت مسلمانان از این نوع عمل باز داشته شده‌اند (ر.ک: قسطلانی، ۱۳۲۳ق، ج ۲، ص ۴۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ ابن رجب، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۴۵).

این مقاله در پی آن است تا با تاریخ‌گذاری این احادیث، زمان رواج و روند گسترش و تحول تحریرهای آن را دریابد. به این منظور، از روش تحلیل اسناد - متن به گونه‌ای که موتسکی آن را بهبود و ارتقا داده، بهره گرفته است. این روش پیش از این به تفصیل معرفی شده است، (ر.ک: موتسکی، ۱۳۹۴ش، صص ۲۲-۸۰) از این رو مقاله حاضر از معرفی آن صرف نظر کرده و به بیان مراحل آن از نظر موتسکی بسنده می‌کند.

مراحل اجرای این روش بدین شرح است:

- ۱- همه تحریرهای مختلف و در دسترس یک روایت گردآورده شود.
- ۲- شبکه‌ای از اختلاف‌های سندی در قالب نمودار رسم شود تا فرایند نقل به خوبی مستند شده و حلقه‌های مشترک فرعی و حلقه مشترک مشخص شود. حلقه مشترک عجاناً گردآورنده و نشر دهنده حرفه‌ای روایات در نظر گرفته می‌شود.
- ۳- این‌که حلقه مشترک واقعاً گردآورنده یا نشر دهنده حرفه‌ای روایات بوده یا نه، باید با تحلیل متنی بررسی شود، لذا لازمه این کار آن است که متون مربوط به خطوط مختلف نقل، کنار هم قرار گیرند تا امکان مقایسه اجمالی آن‌ها با همدیگر فراهم شود.
- ۴- گروه‌های اختلاف متنی و سندی با همدیگر مقایسه می‌شود تا معلوم شود میان آن‌ها همبستگی وجود دارد یا خیر.

۵- در صورت وجود همبستگی می‌توان درباره متن اصلی که حلقه مشترک نقل کرده و کسی که مسئول تغییرات ایجاد شده در جریان نقل پس از حلقه مشترک است، به نتیجه رسید (موتسکی، ۱۳۹۴ش، ص ۷۷-۷۸).

پیشینه تحقیق و وجه نوآوری

در موضوع تاریخ‌گذاری احادیث و شیوه‌های آن آثار متعددی نگاشته شده که نمونه‌ای از آنها را می‌توان در مجموعه مقالات «تاریخ‌گذاری حدیث، روش‌ها و نمونه‌ها» به کوشش و ویرایش سیدعلی آقایی مشاهده کرد. مقالات متعددی نیز به پیاده‌سازی این روش بر برخی اخبار پرداخته‌اند، اما مقاله یا کتابی که به تاریخ‌گذاری اخبار مربوط به بنای مسجد بر قبور پرداخته باشد توسط نویسندگان مشاهده نشد. مقاله حاضر قصد دارد تمام تحریرهای اخباری را که در مقام ریشه‌شناسی مسأله نهی از بنای مسجد بر قبور هستند و آن را به دیگر امت‌ها ارتباط می‌دهند گردآوری و آنها را با روش تحلیل اسناد - متن بررسی نماید، تا از این رهگذر، زمان رواج و نیز سیر تحولات متنی آنها را تا حد امکان بشناسد.

تذکر این نکته نیز ضروری است که این مقاله به تاریخ‌گذاری اخبار محل بحث پرداخته و به روند شکل‌گیری و تحول متون آن توجه دارد. لذا نقد کلامی محتوای این اخبار از رسالت این مقاله خارج است. رویکرد این مقاله به متون احادیث محل بحث نیز نه به عنوان حدیثی که صدور آن از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ثابت شده است، بلکه به صورت پدیدارشناسانه و صرفاً در مقام بیان نکاتی است که راوی با نوع عبارت‌پردازی‌های خود قصد انتقال آن به مخاطب را دارد. در عین حال، مضمون این اخبار نهی از بنای «مسجد» بر قبور به برخی دلایل فرهنگی است و اساساً به ساخت بناهای آرامگاهی و یادبودی ارتباطی ندارد. به این ترتیب، با دیدگاه مشهور شیعه و اهل سنت در بی‌اشکال بودن ساخت بناهای یادبودی بر قبور انبیاء و اولیاء الهی تضادی پیدا نمی‌کند.

۱. تحلیل اسناد - متن اخبار

اخبار متضمن نهی از بنای مسجد بر قبور که به ریشه‌شناسی این فرهنگ روی آورده و آن را به امت‌های گذشته ارتباط می‌دهد، به لحاظ راوی اصلی و محتوا به شش دسته تقسیم می‌شود:

۱-۱. اخبار عایشه

این دسته، روایاتی را دربر می‌گیرد که متضمن نهی از بنای مسجد بر قبور انبیاء هستند و از عایشه (د. ۵۷ مدینه) نقل شده‌اند. نام عایشه بخش مشترک اسانید اخبار این دسته است و راویان او عروه بن زبیر (د. ۹۴ مدینه) و سعید بن مسیب (د. ۹۴ مدینه) هستند. اخبار عروه بن زبیر نیز به اعتبار مضمون و راوی به دو دسته تقسیم می‌شوند: اخبار هلال بن ابی حمید (د. ۱۲۱-۱۳۰ کوفه) و اخبار هشام بن عروه (د. ۱۴۶ مدینه ← بغداد). در نتیجه، اخبار منقول از عایشه سه دسته هستند: الف) اخبار هشام از عروه، ب) اخبار هلال از عروه، ج) اخبار سعید بن مسیب.

۱-۱-۱. تحلیل اسناد اخبار عایشه

سال‌مرگ راویان و امکان نقل آنها از یکدیگر در تمام اسانید این اخبار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است که نشان می‌دهد همه این نقل‌ها متصل هستند، اما نقل همه این مطالب و منابع آنها در اینجا ممکن نیست. در عین حال، سال درگذشت راویان برای یادکرد خلاصه‌ای از نتیجه این بررسی در نمودار اسناد ذکر شده است. محل زندگی و مرگ راویان نیز در نمودار آمده که نشان می‌دهد این اخبار در چه شهرهایی رواج داشته‌اند.

۱-۱-۱-۱. اخبار هشام از عروه

ابومنذر هشام بن عروه، از بزرگان علماء و تابعین مشهور مدینه شمرده شده و احادیث زیادی را نیز روایت کرده است (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۶، ص ۸۰). هشام بن عروه در مدینه، کوفه و بصره حضور یافته و راویان زیادی امکان نقل از او را داشته‌اند (بلاذری، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۴۴۵). از وی چهارده تحریر به دست رسیده است. از راویان او در این نمودار، یحیی بن سعید اهل بصره بود و در بغداد حضور یافت (ابن سعد، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۳)؛ ابومعاویه شیبان بن عبدالرحمن اهل بصره بود، در کوفه سکونت یافت و در ۱۶۴ق در بغداد از دنیا رفت (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۶، ص ۴۴۹)؛ عبدالعزیز درآوردی، انس بن عیاض و مالک بن انس نیز اهل مدینه و از شاگردان هشام بوده‌اند؛ وکیع، عبده بن سلیمان و عبیدالله بن موسی نیز اهل کوفه بوده و با توجه به حضور هشام در کوفه، امکان نقل از او را داشته‌اند. سند و منبع این اخبار در بخش میانی شکل ۱ دیده می‌شود. طبق این نمودار، تحریرهای هشام بیشتر در مدینه و بغداد رواج داشته‌اند.



۱-۱-۱-۲. اخبار هلال از عروه

ابوجهم هلال بن ابی‌حمید وزان صیرفی را از جمله تابعین شمرده (ابن منده، ۱۴۱۷ق، ص ۷۲) و سال درگذشتش را بین ۱۲۱ تا ۱۳۰ قمری در کوفه تعیین کرده‌اند (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۳، ص ۵۴۷). این خبر را سه راوی در قالب ده تحریر از هلال نقل کرده‌اند. در اخبار هلال همه نقل‌ها متصل هستند، تنها اینکه در نقل مسلم از ابو‌عوانه، (ابو‌عوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۳) معلوم نیست مسلم کیست. احتمال دارد وی همان عفان بن مسلم باشد، در این صورت، نام عفان از سند افتاده است، چراکه: اولاً این نقل را ابوداود حرانی از مسلم نقل کرده و ابوداود از عفان بن مسلم نیز نقل حدیث داشته است (ابو‌عوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۲ و ج ۵، ص ۹۳)، ثانیاً این خبر را مسلم از ابو‌عوانه نقل کرده و عفان بن مسلم نیز از ابو‌عوانه نقل داشته است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸۸؛ ابو‌عوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۹۱ و ۳۶۹)، ثالثاً همین خبر را عفان بن مسلم نیز از ابو‌عوانه نقل کرده است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۸۳).

چنانکه گذشت، این خبر را سه راوی از هلال نقل کرده‌اند؛ ابو‌عوانه و ضاح از راویان هلال شمرده می‌شود (ابن منجویه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲). شیبان بن عبدالرحمن بن معاویه نیز از شاگردان هلال بوده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۴۰۷). درباره نقل عنبسه بن سعید نیز از آنجا که هلال و حکام بن سهل استاد و شاگرد معرفی شده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۶، ص ۳۹۹؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، ص ۴۰۶) و سند این نقل نیز به هرحال متصل است.

۱-۱-۱-۳. اخبار سعید بن مسیب

سعید بن مسیب (د. ۹۴ مدینه) ثقه، کثیر الحدیث، (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۵، ص ۱۴۳) یکی از فقهای هفت‌گانه مدینه (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۲، ص ۳۷۵) و سید التابعین خوانده شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۹۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۱). راوی او قتاده بن دعامه نیز از محدثان و مفسران بزرگ عصر خود بوده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۷۰). سعید بن ابی‌عروبه راوی قتاده نیز گرچه ثقه و حافظ حدیث خوانده شده، اما به تدلیس شهرت داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۳). سه نفر این خبر را از سعید بن ابی‌عروبه نقل کرده‌اند. اسانید این تحریرها در سمت راست شکل ۱ قابل مشاهده است. تحریرهای سعید بن مسیب در عراق و بیشتر بصره رواج داشته‌اند. طبق این نمودار، عایشه حلقه مشترک اصلی این اخبار و عروه، هشام، هلال و ابن‌ابی‌عروبه حلقه مشترک‌های فرعی آن هستند. این خبر در حدود سال ۵۷ق، در مدینه منتشر شده است. پس از آن در شاخه زبیری به رواج خود در مدینه ادامه داده و از طریق دیگر شاخه‌ها در عراق نیز گسترش یافته است.



۱-۱-۲. تحلیل متنی اخبار عایشه

در ادامه، ذیل هر دسته از اخبار، بعد از ذکر وجه مشترک متون، مؤلفه‌های متنی تحریرها مورد واکاوی بیشتر قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۲-۱. اخبار هشام از عروه

مضمون کلی متن این دسته چنین است: عایشه توصیف برخی همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) از کنیسه‌ای منقش به تصاویر را که در حبشه دیده‌اند، نقل می‌کند و در ادامه از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌گوید: «آنها وقتی فرد صالحی از بینشان می‌رفت، بر قبرش مسجد می‌ساختند و آن تصاویر را در آن رسم می‌کردند، آنها نزد خدا بدترین مخلوقات هستند» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۳).

از عبارات‌های آغازین تحریرهای هشام بن عروه که در پی مطرح کردن بافت صدور خبر هستند، معلوم می‌شود که مخاطبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) در این خبر، همسران ایشان هستند. در این بین، ام سلمه و ام حبیبه که در برخی از اخبار نیز نامشان آمده است، از دیده‌های خود در حبشه یاد می‌کنند و سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله) ناظر به همین یادکرد است. عایشه که راوی خبر است نیز ظاهراً در این جمع حضور دارد. غیر از نقل‌های یحیی، عبده و ابومعاویه، در بقیه نقل‌ها تحریرهایی مشاهده می‌شود که قید دیگری نیز به بافت صدور خبر اضافه می‌کنند و آن هم‌زمانی این مکالمه با بیماری منجر به رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. این قید قرار است جلوه‌ای وصیت‌گونه و غیر قابل‌نسخ به مضمون خبر داده و بر اهمیت آن بیافزاید. علاوه بر این، صورت‌بندی عباراتی چون «لَمَّا مَرَضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَأُمُّ حَبِيبَةَ كَنِيسَةً فِي الْحَبَشَةِ» (ابوعوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴) به گونه‌ای است که گویی آن همسران از دیدن بیماری پیامبر (صلی الله علیه وآله) و آله) به نزدیک بودن وفات ایشان پی برده و به فکر ویژگی‌های محل دفن ایشان افتاده‌اند و به همین جهت مشاهدات خود در حبشه را به خاطر آورده و نقل کرده‌اند: «لَمَّا مَرَضَ ... فَذَكَرَتْ» آنچه همسران پیامبر در حبشه دیده و از آن یاد کرده بودند، یک کنیسه بود که در تحریرهای انس، ابومعاویه، مالک و عبده، نام کنیسه ماریه برای آن مطرح شده است. قید دیگری که در بیشتر تحریرها برای این کنیسه مطرح شده، منقش بودن آن به تصاویر است که به غیر از یک نقل، (ابوعوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴) در بقیه اخبار به صورت نکره آمده است، این نشان می‌دهد که همسران پیامبر در نقل خود، نتوانسته‌اند به خوبی این تصاویر را توصیف کنند و کیفیت آنها برای راوی مبهم بوده است، اما تأکید همسران پیامبر بر زیبایی آنها در تحریر انس بن عیاض: «فَذَكَرَتْ مِنْ حُسْنِهَا وَتَصَاوِيرِهَا» (ابوعوانه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴) نشان می‌دهد آن‌ها با

تمجید از آن کنیسه یاد کرده‌اند که می‌تواند بیانگر علاقه آن‌ها به تکرار این عمل و ترسیم تصاویر بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

تنها در نقل هناد از ابومعاویه از عبارت «تَمَثَّلُ» استفاده شده است (سراج، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۵). تمثال که از ریشه «مثل» و جمع آن تمائیل است نیز به معنای صورت یا تصویر به کار می‌رود (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۸۱۶، ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۱۵۹)، گرچه در سخن حضرت ابراهیم (علیه السلام) به قومش که فرمود: «مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء: ۵۲) و سیاق آیه نشان می‌دهد که منظور از تمثال، مجسمه بت است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۴۷۰) اما با توجه به بقیه تحریرهای این خبر، در این تحریر نیز همان تصویر مورد نظر است.

طبق برخی تحریرها ام‌حبیبه و ام‌سلمه هر دو کنیسه را دیده و از آن یاد می‌کنند (برای نمونه نسائی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۱)، اما در برخی دیگر راوی بین ام سلمه و ام حبیبه مردد است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۱). در برخی دیگر نیز به صورت‌های مبهم «بعض ازواجه» یا «بعض نساءه» از آن یاد شده است (ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۵۴). گذشته از این، در تحریر مالک و انس، ذکر نام ام سلمه و ام حبیبه به اینکه «آنها قبلاً به حبشه رفته بودند» مقید شده است تا به این وسیله بر مطابقت گفته آنها بر مشاهدات عینی تأکید کند. بر این اساس، مشاهدات آنها باید مربوط به زمان هجرت مسلمانان به حبشه بوده باشد. چنانکه در یادکرد کتب سیره از مهاجران به حبشه، نام بانوانی دیده می‌شود که بعداً به ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) درآمدند؛ ام حبیبه در همان حبشه (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۵۹)، سوده بعد از بازگشت به مکه و مرگ همسرش، و ام سلمه بعد از بازگشت و پس از هجرت به مدینه و شهادت همسرش، به ازدواج پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درآمدند (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۵۴ و ۲۶۰).

آنگاه نوبت به سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌رسد که دو بخش دارد؛ بخش اول عادت اهل حبشه درباره مردگان صالحان را مطرح می‌کند، آن هم با صورت‌بندی‌ای که آن را یک سنت دیرینه جلوه می‌دهد: «إِنَّ أَوْلِيكَ إِذَا مَاتَ مِنْهُمْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَي قَبْرِهِ مَسْجِدًا ثُمَّ صَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ» (ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۵۴)؛ «آنها هنگامی که فرد صالحی از بینشان رحلت می‌کرد، بر قبرش مسجد ساخته و آن تصاویر را در آن نقاشی می‌کردند». قید «الصَّالِحُ» در تمام اخبار وجود دارد، تنها اینکه در نقل هناد از ابومعاویه از تعبیر «مَاتَ فِيهِمُ الْمَيِّتُ» استفاده شده است (سراج، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۵).

ماهیت بنا در بیان همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کنیسه است که در همه اخبار پیش گفته به هنگام نقل کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مسجد تغییر می‌کند. حال آن که هر دو درباره یک مصداق است. گویی



اولی عمداً می‌خواهد از تعبیر رایج بین اهل کتاب استفاده کند تا مخاطب متوجه بشود موضوع سخن چه مصداقی است، و دومی به مسجد یعنی اصطلاح رایج بین مسلمانان تغییر کرده است تا به امکان تکرار آن در فضای اسلامی و نهی از آن نزدیک شود. در تحریرهای هشام بن عروه نام دین خاصی مشاهده نمی‌شود، اما به نام حبشه و محل عبادت آنها با عنوان کنیسه اشاره شده است. گرچه این قرائن به ضمیمه این داده تاریخی که اهالی حبشه در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) مسیحی بودند، نشان می‌دهد که خبر مصداقاً درباره عادت مسیحیان آن منطقه صحبت می‌کند، اما در سخن پیامبر با عبارت «اولئک قوم...» به آنها اشاره شده که گویی قصد دارد این رفتار را یک ویژگی قومی - و نه دینی - معرفی کند.

بخش دوم سخن پیامبر، افرادی را که جمله قبل از رفتار آنان خبر داد، ارزش‌گذاری می‌کند: «وَأُولَئِكَ شَرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى» (ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۵۴) مؤلفه اخیر نقش نهی از عمل مشابه و در واقع، وصیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای بعد از رحلت خودشان را ایفا می‌کند. این وصیت در خبر واحدی که به لحاظ متن به دسته اخیر شباهت دارد، مورد تصریح قرار گرفته است: «حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَنَيْسَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ النَّخْرَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ بِخَمْسٍ وَهُوَ يَقُولُ: «أَلَا أَنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ، إِنِّي أَنهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۰). در این خبر، عبدالله بن حارث از جدش نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) پنج روز قبل از رحلتش فرمود: «آنها که پیش از شما بودند، از قبر پیامبران و صالحانشان مسجد ساختند، آگاه باشید که قبور را به مسجد تبدیل نکنید، من شما را از آن نهی می‌کنم».

۱-۲-۲. اخبار هلال از عروه

مضمون مشترک متن اخبار هلال چنین است: عایشه می‌گوید که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در بیماری منجر به وفاتش فرمود: «خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبور پیامبرانشان را مسجد کردند» آنگاه عایشه می‌افزاید: اگر ترس این نبود که قبر پیامبر به مسجد تبدیل شود، قبرش را «ابراز» می‌کردند. عبارت‌های آغازین این تحریرها در پی مطرح کردن بافت صدور خبر است بدین صورت که «پیامبر در بیماری که در آن بهبود پیدا نکرد، فرمود: ...»، این جمله خبر بعدش را به عنوان یکی از آخرین توصیه‌های رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) معرفی کند. با توجه به اشتراک متن تحریرهای هلال با تحریرهای هشام در عبارت «فِي مَرَضِهِ الَّذِي لَمْ يَقُمْ مِنْهُ» و نیز بخشی از سند،

می‌توان گفت این دو خبر از یک اصل سرچشمه گرفته‌اند. البته در شأن صدور این خبر نقش دیگر همسران پیامبر و نیز ذکر مشاهدات آنها از حبشه دیده نمی‌شود.

مؤلفه بعدی لعن خدا بر یهود و نصاری به دلیل مسجد قرار دادن قبور انبیاءشان است. در حالی که خبر هشام تنها به ارزش‌گذاری عملکرد آن قوم اکتفا می‌کرد، این خبر به شکل دعائی به لعن می‌پردازد. این مؤلفه که قرار است نقش نهی از عمل مشابه و در واقع، وصیت پیامبر برای بعد از رحلت خودشان را ایفا کند، در همه تحریرهای خبر هلال وجود دارد، تنها اینکه در نقل عنبسه بن سعید با قید تأکیدی «قالها ثلاث مرّات» همراه شده است (سراج، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۲۴). برخلاف اخبار هشام که از یک گروه دینی خاص نام نبرده و عملکرد حبشیان را یک ویژگی قومی جلوه می‌دهد، متن این خبر از یادکرد ویژگی یک قوم خاص خارج شده و صورت‌بندی کلی‌تری به خود گرفته است، به گونه‌ای که با لعن یهود و نصاری آغاز شده و در مقام تعلیل آن به اتخاذ مسجد از قبور اشاره می‌کند.

در ادامه راوی توضیح عایشه را اضافه می‌کند تا نشان دهد پیام خبر برای مسلمانان چیست: «لَوْلَا ذَلِكَ أُتِرَ قَبْرُهُ غَيْرَ أَنَّهُ حَشِيٌّ - أَوْ حُشِيٌّ - أَنْ يُتَّخَذَ مَسْجِدًا» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۲). عبارت «لولا ذلك» قصد اشاره به جمله قبل را دارد، یعنی اگر نبود که یهود و نصاری قبور انبیاء خویش را به مسجد تبدیل کردند، قبر پیامبر «ابراز» می‌شد. معنای ابراز هرچه باشد، این جمله نشان می‌دهد که فهم عایشه از سخن پیامبر و نیز عملکرد مسلمانان در عدم ابراز قبر ایشان، این است که ابراز قبر فی نفسه اشکالی ندارد، و تنها ترس از تکرار کردار پیروان ادیان پیشین مانع از آن شده است. عبارت «غیر آنه حشی آن یتخذ قبره مسجد» نیز همین مضمون را بیان می‌کند.

متن اخبار این دسته به صورت تلویحی به اختلاف مسلمانان درباره محل دفن پیامبر اکرم اشاره دارد. صورت‌بندی جمله آخری که عایشه به عنوان تفسیر به این خبر افزوده است، علاوه بر رد گزینه ابراز قبر، از وجود گزینه‌های دیگر نیز خبر می‌دهد. در مسند اسحاق بن راهویه خبری از حسن بصری (د. ۱۱۰)، مدینه - بصره وجود دارد که چون تنها با یک سند به دست رسیده، دسته جداگانه‌ای را به خود اختصاص نداده است، اما از جهت اشاره به ابراز قبر و نیز تصریح به وجود گزینه‌های دیگر در کنار آن، به فهم بهتر دسته محل بحث کمک می‌کند: «أَحْبَرَنَا وَهْبُ بْنُ جَرِيرٍ، نَا أَبِي قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ، يَقُولُ: كَانَ الْمُسْلِمُونَ اخْتَلَفُوا فِي دَفْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيْنَ يُدْفَنُ، فَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ: يُدْفَنُ فِي الْبَقِيعِ حَيْثُ اخْتَارَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْلَا ذَلِكَ لَوْلَا أَنَّهُ أُتِرَ قَبْرُهُ غَيْرَ أَنَّهُ حَشِيٌّ - أَوْ حُشِيٌّ - أَنْ يُتَّخَذَ مَسْجِدًا. قَالَ: فَقَالُوا أُتِرَ قَبْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلَّمَا أُخِذَتْ أَخَذَتْ حَدَّثَنَا عَادِبَةُ، قَالَ: وَقَالَ طَائِفَةٌ: نَدْفِنُهُ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَتْ عَائِشَةُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غُشِيَ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ



قَالَ: «قَاتَلَ اللَّهُ أَقْوَامًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ فَعَرَفُوا أَنَّ ذَلِكَ نَهْيًا مِنْهُ، فَقَالُوا: يُدْفَنُ حَيْثُ اخْتَارَ اللَّهُ أَنْ يُقْبَضَ رُوحُهُ فِيهِ فَخَفِرَ لَهُ فِي بَيْتِ عَائِشَةَ» (ابن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۷۳۸).

طبق دسته حاضر، ابراز قبر به اتخاذ مسجد منتهی می‌شود، اما در خبر پیش گفته ابراز قبر گزینه‌ای در کنار دفن در مسجد یا خانه عایشه است. البته در متن این خبر «مسجد» معرفه به ال و مصداقاً مسجد نبوی است، اما در دسته حاضر نکره است و به مسجد گرفتن قبور به طور کلی اشاره دارد. به هر حال، مصداق ابراز در خبر اخیر دفن در بقیع است که مکانی باز و بدون دیوار و سقف است. برخی شارحان نیز گفته‌اند ابراز قبر پیامبر یعنی اینکه حائلی برای آن قرار ندهند، و مراد از آن دفن در خارج از خانه آن حضرت است (قسطلانی، بی تا، ج ۳، ص ۵۸۳).

۱-۲-۱. اخبار سعید بن مسیب

متن این تحریرها تنها مشتمل بر سخنی است که عایشه مبنی بر لعن اقوامی که قبور انبیاء خود را به مسجد تبدیل کرده‌اند از پیامبر نقل کرده است. در اینجا نیز همچون تحریرهای هشام از پیروان دین خاصی نام برده نشده و از تعبیر قوم استفاده شده است؛ در یک تحریر شکل مفرد قوم (نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۳۸۷) و در دو تحریر صورت جمع اقوام به کار رفته است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۱؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۸۷) که آن را فراتر از رفتار یک قوم به تصویر می‌کشد. این تحریرها فاقد سبب صدور هستند و به شکل نفرین وارد شده‌اند.

۱-۲-۲. اخبار عایشه و ابن عباس

این دسته روایاتی را در بر می‌گیرد که به صورت مشترک از عایشه و ابن عباس نقل شده‌اند و مضمون کلی آنها مشابه است. زهری [د. ۱۲۴، مدینه ← شام] ← عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه [د. ۹۸، مدینه] ← عایشه [د. ۵۷، مدینه] و ابن عباس [د. ۶۸، طائف]، قسمت مشترک اسانید این اخبار است. شش راوی این خبر را از زهری نقل کرده‌اند که در مجموع ده تحریر از آنها به دست رسیده است.

۱-۲-۱. تحلیل اسناد اخبار عایشه و ابن عباس

بررسی وضعیت راویان نشان می‌دهد که همه نقل‌ها متصل هستند. اما درباره قسمت مشترک اسانید در منابع از عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه به عنوان شاگرد عایشه و ابن عباس نام برده شده است که نشان دهنده امکان نقل او از این دو است. زهری نیز از راویان عبیدالله شمرده شده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۶۳).



۱-۲-۲. تحلیل متنی اخبار عایشه و ابن عباس

مضمون مشترک اخبار این دسته چنین است: «هنگامی که زمان وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسید، خمیصه‌اش را روی صورتش انداخت، آنگاه که صورتش را پوشاند، آن را درحالی کنار زد که می‌گفت: لعنت خدا بر یهود و نصاری که قبور پیامبرانشان را به مسجد تبدیل کردند». جمله «هنگامی که زمان وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسید...» در آغاز این تحریرها، بافت صدور را ارائه داده و خبر بعدش را به عنوان یکی از آخرین توصیه‌های رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) معرفی می‌کند. مؤلفه بعدی لعن خدا بر یهود و نصاری به دلیل مسجد قرار دادن قبور انبیاءشان است. این دسته از اخبار نیز با یادکرد یهود و نصاری، به این فعل جنبه دینی و نه قومی داده است. در ادامه، در برخی تحریرها راوی توضیح عایشه را اضافه کرده است تا پیام خبر برای مسلمانان را مطرح کند: «از انجام کاری همچون کار آنان تحذیر می‌کند».

طبق صورت‌بندی این دسته، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) خمیصه را در بیماری منجر به وفاتش بر صورت انداخت، و آنگاه که نفسش به خاطر گرما تنگ شد «فَإِذَا اغْتَمَّ»، آن را کنار زد و چنان فرمود (عینی، ۱۳۴۸ق، ج ۲۲، ص ۲). راویان با به تصویر کشیدن این فعل، می‌خواهند بگویند که سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله) بعد از زمانی تأمل بوده است.

خمیصه در برخی اخبار به صورت مطلق «خمیصه» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۳، ص ۳۷۳) و در برخی به صورت «خمیصه له» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۴۷) آمده که نشان می‌دهد این کساء مخصوص پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده است. خمیصه کساء سیاه مربع‌شکلی است که دو طرف آن طرح‌دار «مُعَلَّم الطَّرْفَيْنِ» و جنس آن از خز یا پشم است. اگر این پارچه طرح‌دار نباشد، به آن خمیصه نمی‌گویند (فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۲). طبق برخی اخبار، پیامبر (صلی الله علیه وآله) خمیصه‌ای طرح‌دار داشته که به هنگام نماز از آن استفاده کرده است، اما آن طرح‌ها را مانع از تمرکز در نماز شمرده و خمیصه را به دیگری هدیه کرده و کسائی بدون نقش و نگار طلبیده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۴). با این اوصاف، ارتباط فضای صدور ترسیم شده در این اخبار و فضای صدور اخبار عایشه قابل تأمل است.

تحریر صالح بن کیسان در *المسند احمد*، تفاوت‌هایی با دیگر تحریرها دارد و در سندش تنها از عایشه نام برده شده است، در متن سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز نامی از یهود و نصاری برده نشده است، بلکه می‌گوید: «قَاتَلَ اللَّهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». در ادامه نیز توضیح راوی با عبارت «يُحَرِّمُ ذَلِكَ عَلَى أُمَّتِهِ» بیان شده که قالبی همچون یک حکم فقهی دارد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۳، ص ۳۷۰). جز این، در *المسند* روایتی از اسامه بن زید نقل شده است که شبیه به

اخبار عایشه و ابن عباس است: «حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ [د. ۱۹۷] حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ [د. ۱۶۷، کوفه] حَدَّثَنَا جَامِعُ بْنُ شَدَّادٍ [د. ۱۱۸، کوفه] عَنْ كُثَيْبِ بْنِ مَرْثَدَةَ [د. ۹۶، مدینه] قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَدْخِلْ عَلَيَّ أَصْحَابِي» فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَكَشَفَ الْقِنَاعَ، ثُمَّ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳۶، ص ۱۰۸). در این تحریر، پیامبر ^(ص) در لحظات آخر عمر، همه اصحاب را فراخوانده و در حضور آنان، یهود و نصاری را به خاطر اتخاذ مسجد از قبور انبیاء لعن کرده است.

۳-۱. اخبار ابن عباس

این دسته مشتمل بر روایاتی است که از ابن عباس نقل شده است. محمد بن جحاده [د. ۱۳۱، کوفه] ← ابوصالح [د. ۱۰۱، مدینه] ← ابن عباس [د. ۶۸، طائف]، قسمت مشترک اسانید این اخبار است. ابوصالح ذکوان بن عبدالله السمان از موالی جویریة غطفانیه پیشوا، حافظ حدیث و از علمای بزرگ مدینه بود (ذهبی، ۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۶). محمد بن جحاده کوفی نیز برای اخذ و ارائه حدیث در بصره حضور یافته است (باجی، ۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۲۵). پس از ابن جحاده سند به سه شاخه تقسیم شده و در مجموع چهارده تحریر از طریق سه راوی او شعبه [د. ۱۶۰، واسط] ← بصره، عبدالوارث بن سعید [د. ۱۸۰، بصره] و همام [د. ۱۶۳، بصره] به دست رسیده است.

۱-۳-۱. تحلیل اسناد اخبار ابن عباس

در اسانید این دسته، همه نقل‌ها متصل است؛ شعبه بن حجاج، عبدالوارث بن سعید و همام بن یحیی از شاگردان محمد بن جحاده شمرده می‌شوند (کلاباذی، ۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳؛ ذهبی، ۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۷۵). شعبه بن حجاج ثقه، و صاحب حدیث شمرده شده است (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۲۸۱). گفته شده که او دو بار به بغداد سفر کرده است (خطیب بغدادی، ۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۳۵۳) لذا حضور راویان بغدادی در بین کسانی که این خبر را از او نقل کرده‌اند، طبیعی است. از وی نه تحریر به دست رسیده است. راوی دیگر ابن جحاده عبدالوارث بن سعید، حافظ حدیث و از موالی ابوعمیده عنبری است (ذهبی، ۴۰۵ق، ج ۸، ص ۳۰۰). از وی دو تحریر به دست رسیده که در نقل یکی از آنها با همام بن یحیی مشترک است. قتیبه و ابومعمر راویان عبدالوارث هستند. قتیبه به عراق، مکه، مدینه، شام و مصر سفر داشته است و احتمالاً این اخبار را در سفر به عراق از عبدالوارث شنیده است (خطیب بغدادی، ۴۲۲ق، ج ۱۴، ص ۴۸۱). نمودار اسانید این دسته در شکل ۳ قابل مشاهده است. بر اساس این نمودار، محمد بن جحاده حلقه مشترک اصلی و عبدالوارث بن سعید و شعبه حلقه مشترک‌های فرعی هستند. این اخبار ابتدا در

۱-۳-۲. تحلیل متنی اخبار ابن عباس

متن این تحریرها مشابه است، همه آنها مشتمل بر لعن پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) بر سه دسته است: زنان زیارت کننده قبور، کسانی که بر روی قبور مسجد می‌سازند و کسانی که بر آن چراغ می‌افروزند. دسته اول در همه نقل‌ها با شکل مؤنث «زائرات» مطرح شده‌اند، اما دسته دیگر گاه همسان با تعبیر پیشین با جمع مؤنث: «والمتخذات علیها المساجد والسرج» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۱) و گاه به شکل مذکر «والمتخذین...» آمده‌اند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۶۳). در این اخبار از انبیاء، به عنوان کسانی که مسجد بر قبر آنها ایجاد شده و نیز یهود و نصاری، به عنوان اقوامی که فعل اتخاذ مسجد به آنها نسبت داده شده، نامی برده نشده است. در مجموع، تحریرهای این دسته نسبت به دسته‌های پیشین صورت کوتاه‌تر و کلی‌تری پیدا کرده است. به نظر می‌رسد که این دسته از اخبار، ترکیبی از اخبار بیان‌گر هر یک از سه محتوای پیش‌گفته باشد.

۱-۴-۴. اخبار ابوهریره

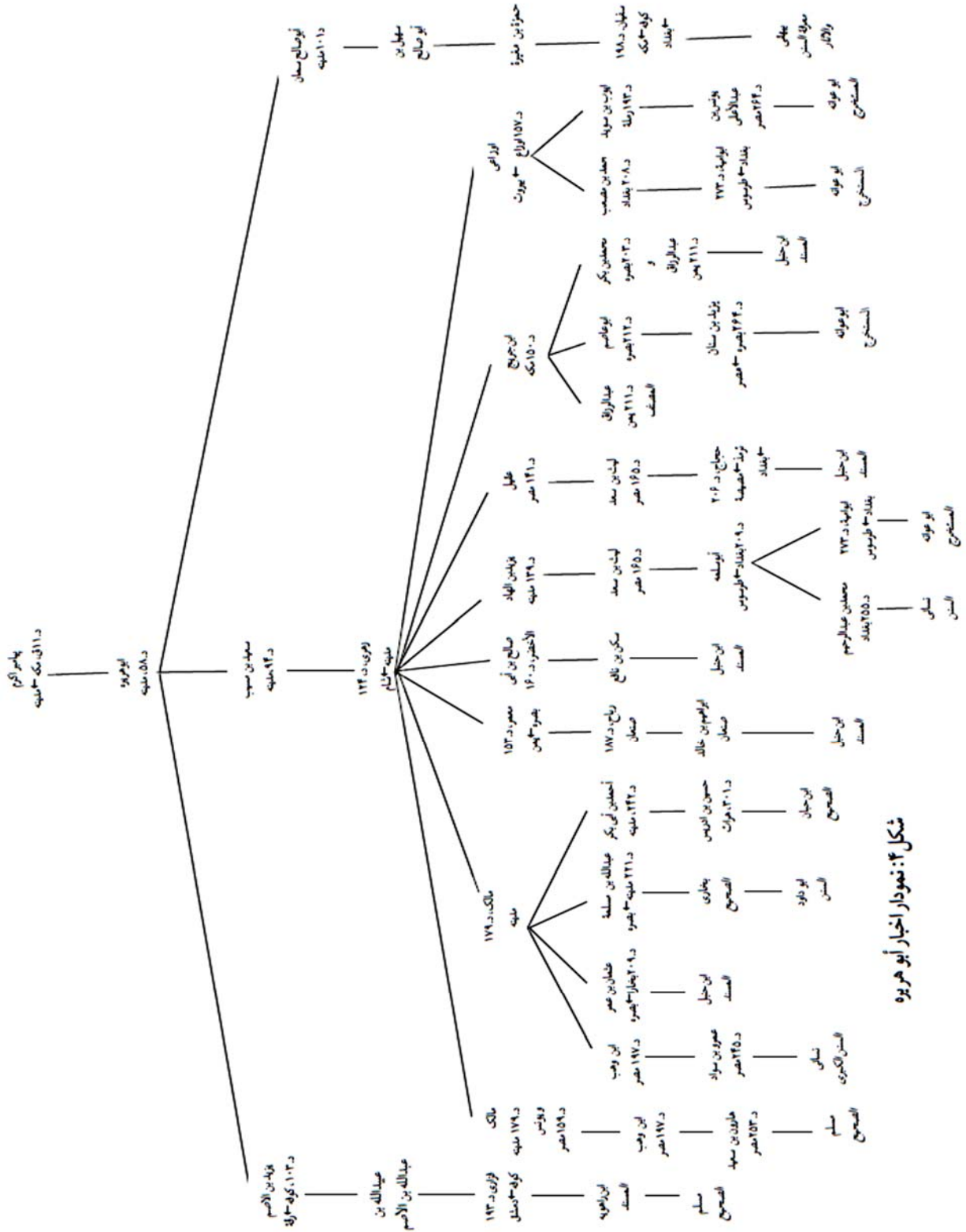
این دسته روایاتی را در بر می‌گیرد که از ابوهریره [د. ۵۸، مدینه] نقل شده است. منابع رجالی اهل سنت وی را فردی فقیه و صحابی پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) معرفی نموده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۸) اما در منابع شیعی وی فردی ضعیف و جاعل حدیث دانسته شده است. سعید بن مسیب، یزید بن اصم و ابوصالح سه راوی ابوهریره در این خبر هستند که در مجموع هجده تحریر از آنها به دست رسیده است؛ بیشتر این تحریرها از سعید بن مسیب نقل شده است.

۱-۴-۱. تحلیل اسناد اخبار ابوهریره

سعید بن مسیب، یزید بن اصم و ابوصالح این خبر را از ابوهریره نقل کرده‌اند؛ سعید بن مسیب [د. ۹۴، مدینه] ثقه، کثیر الحدیث (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۸) و یکی از فقهای هفت‌گانه مدینه (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۲، ص ۳۷۵) و سید التابعین شمرده شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۹۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۱). شاگرد وی زهری [د. ۱۲۴، مدینه - شام] از جمله تابعان (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۴۰) و از حافظان و فقیهان بزرگ بود (ابن منجویه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۵؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۴، ص ۱۷۷) که ۹ راوی این خبر را از او نقل کرده و ۱۵ تحریر برجای گذاشته‌اند. ابوهریره - سعید بن مسیب - زهری، بخش مشترک اسناد این ۱۵ تحریر است. نمودار اسناد این تحریرها نشان‌دهنده انتشار آن در مدینه، مصر و اندکی هم بصره است.



راوی دیگر ابوهریره در این خبر، یزید بن اصم [د. ۱۰۳، کوفه-رقه] از تابعین بزرگ رقه و کثیر الحدیث شمرده شده است (ابن منجویه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۵؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۴، ص ۱۷۷). ابوصالح سمان (د. ۱۰۱، مدینه) راوی دیگر ابوهریره، از علمای مدینه و از موالی ام المؤمنین جویریة غطفانی بود (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۶). راوی ابوصالح پسرش سهیل بن ابی صالح است که در منابع به شاگردی پدرش شناخته شده است (بخاری، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۴، ص ۲۴۷). نمودار سند این اخبار در شکل ۴ نشان داده شده است. طبق بررسی‌های انجام شده از طریق استخراج سال مرگ راویان و اطلاعات مربوط به هر راوی، همه نقل‌های این نمودار متصل است. اگر نقل ابوصالح و یزید بن اصم را با وجود عدم برخورداری از حلقه مشترک فرعی اصیل بشماریم، حلقه مشترک اصلی ابوهریره (د. ۵۸ق) و سال انتشار خبر اندکی قبل از درگذشت او خواهد بود. زهری (د. ۱۲۴ق) و مالک (د. ۱۷۹ق) نیز حلقه مشترک‌های فرعی هستند. در غیر این صورت، زهری حلقه مشترک اصلی و مالک حلقه مشترک فرعی خواهد بود و خبر در اوایل قرن دوم هجری منتشر شده است.



شکل ۴: نمودار اخبار ابو هریره



۱-۴-۲. تحلیل متنی اخبار ابوهریره

متن تحریرهای این گروه دو بخش دارد؛ بخش اول نفرین پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر یهود و نصاری است و قسمت دوم دلیل آن را مطرح می‌کند. در قسمت اول، برخی تحریرها فعل دعایی لَعَنَ و برخی قَاتَلَ را استفاده کرده‌اند: «لَعَنَ / قَاتَلَ اللهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى». بیشتر تحریرها از یهود و نصاری در کنار هم نام برده‌اند، اما در خبر سعید، تحریرهای عقیل (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۵۲۸)، معمر (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۲۲۶)، یکی از تحریرهای ابن جریج (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۶) و چهار مورد از تحریرهای مالک (برای نمونه، بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۵)، تنها از یهود نام برده‌اند.

قسمت دوم دلیل این لعن را بیان می‌کند که آنها قبر پیامبرانشان را به مسجد تبدیل کردند: «اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۶، ص ۴۱۸؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۵). متن تحریر یزید بن اصم شبیه به تحریرهای سعید بن مسیب است (ابن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۲۹) اما تحریر ابوصالح متفاوت است؛ در این تحریر، ابوهریره از زبان پیامبر چنین دعایی را نقل کرده است که خدایا قبرم را بت قرار مده: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثْنًا»، آنگاه می‌گوید خدا قومی را که قبور پیامبرانشان را به مسجد تبدیل کردند لعنت کند: «لَعَنَ اللهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (بیهقی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۵۷).

تحریر اخیر شبیه به خبری است که زید بن اسلم (د. ۱۳۶، مدینه) از عطاء بن یسار نقل کرده است؛ طبق یک قول عطاء در سال ۱۰۳ق در مدینه در گذشته است (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۴، ص ۴۴۸-۴۴۹) اما برخی اقوال نیز مرگ او را پیش از سال ۱۰۰ق تعیین کرده‌اند (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۴، ص ۴۴۹). به هر حال طبق این خبر مرسل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثْنًا يُعْبَدُ. اشْتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۲). همین مضمون در نقل مرسل زید بن اسلم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز آمده است (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۶). ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۰). این تحریرها که در نیمه اول قرن دوم شکل گرفته‌اند، می‌کوشند با برقراری ارتباط مستقیم بین ساخت مسجد و انگاره شرک، نهی موجود در صورت اصلی خبر را تعلیل و تقویت کنند.

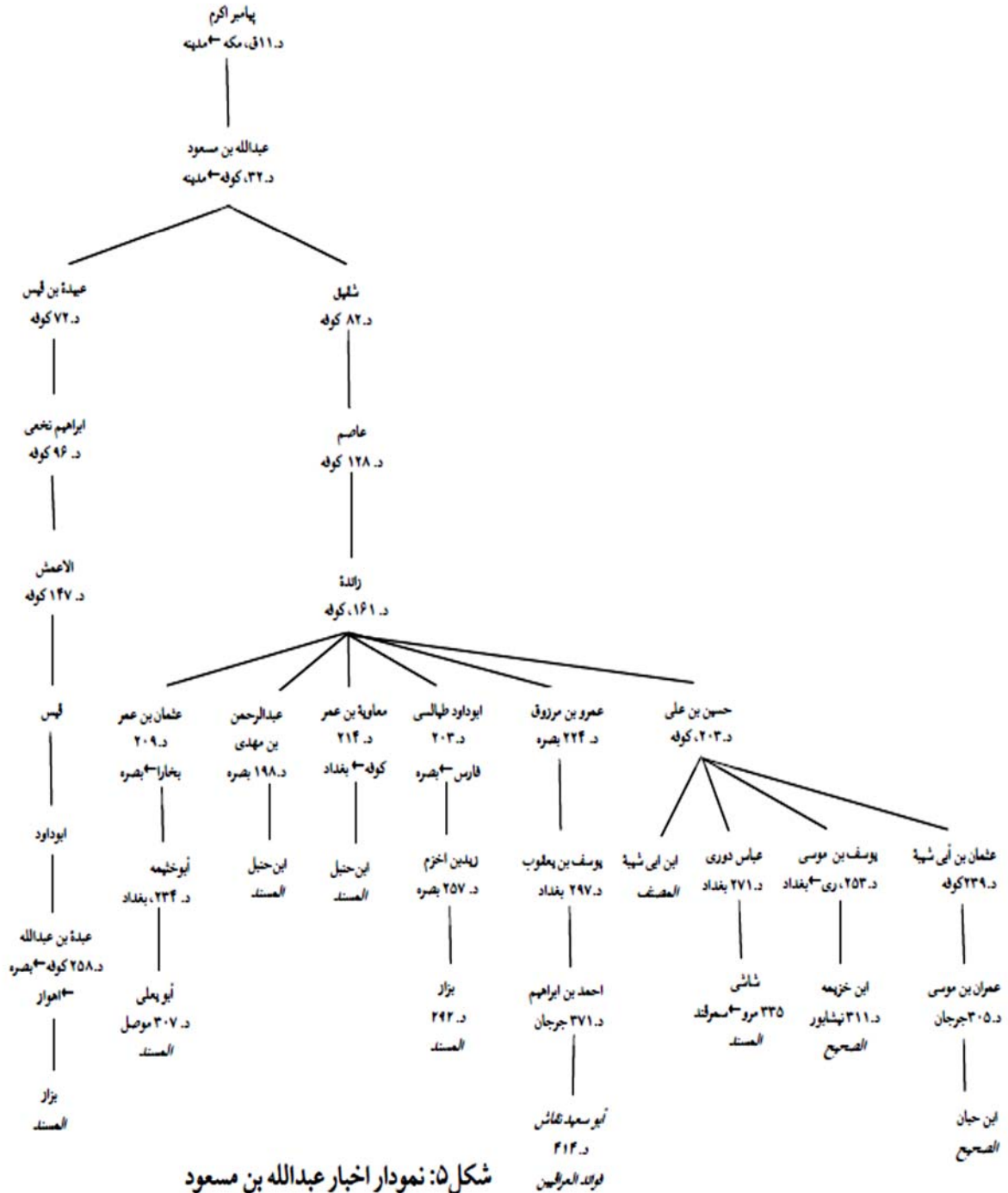
۱-۵. اخبار ابن مسعود

این دسته روایاتی را در بر می‌گیرد که از عبدالله بن مسعود [د. ۳۲، کوفه ← مدینه] نقل شده است. ابن مسعود از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از نخستین کسانی است که اسلام آورد و در جنگ بدر

حضور داشت (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۶۱). ابن مسعود دو بار به سرزمین حبشه مهاجرت کرد. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۱۵۱) وی احادیث بسیاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که به گفته نووی به ۸۴۸ حدیث در کتب معتبر می‌رسد (نووی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۸).

۱-۵-۱. تحلیل اسناد اخبار ابن مسعود

شقیق بن سلمه [د. ۸۲، کوفه] و عبیده بن قیس [د. ۷۲، کوفه] راویان ابن مسعود در این خبر هستند؛ ابوائل شقیق بن سلمه اسدی کوفی از بسیاری از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت نقل کرده است (ابن منجویه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۵). عاصم بن ابی النجود قاری [د. ۱۲۸، کوفه] راوی او در این خبر، و زائده بن قدامه [د. ۱۶۱، کوفه] راوی عاصم است که خبر را به شش راوی منتقل کرده است. اما نقل عبیده از ابن مسعود تا انتهای سند به صورت منفرد روایت شده است. نمودار سند این اخبار در شکل ۵ نشان داده شده است. اگر خبر منفرد عبیده را اصیل بشماریم، حلقه مشترک اصلی در این نمودار عبدالله بن مسعود (د. ۳۲ق) و رواج خبر پیش از درگذشت او خواهد بود. در غیر این صورت، زائده بن قدامه (د. ۱۶۱ق) حلقه مشترک اصلی و حسین بن علی حلقه مشترک فرعی این خبر است، لذا این دسته از اخبار پیش از سال ۱۶۱ق منتشر شده‌اند. محل زندگی راویان نیز نشان می‌دهد کوفه و بصره محل نشر این دسته است.



شکل ۵: نمودار اخبار عبدالله بن مسعود

۱-۵-۲. تحلیل متنی اخبار ابن مسعود

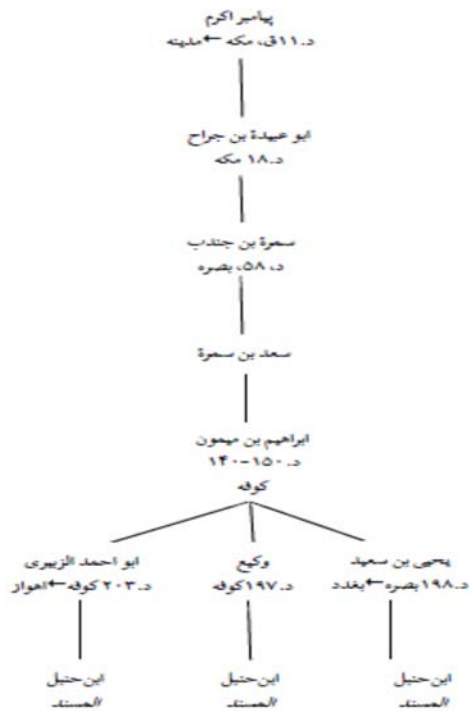
این خبر که متن همه تحریرهایش شبیه به هم است، در مقام معرفی مصادیقی از بدترین مردمان «من شرار الناس» است و دو دسته از آنان را معرفی می‌کند: دسته اول کسانی که زمان قیامت فرا می‌رسد و آن‌ها هنوز زنده‌اند، و دسته دوم کسانی که بر روی قبور مسجد می‌سازند. در این اخبار از انبیاء به عنوان کسانی که مسجد بر قبر آن‌ها ایجاد شده، و نیز یهود و نصاری به عنوان اقوامی که فعل اتخاذ مسجد به آن‌ها نسبت داده شده باشد، نامی نیامده است. صورت‌بندی قسمت اخیر خبر: «وَمَنْ يَتَّخِذُ الْقُبُورَ مَسَاجِدَ» که کوتاه و بدون بافت صدور خبر است، نشان می‌دهد اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور در جامعه شناخته و رایج بوده است. بر این اساس باید گفت اخبار این دسته، ترکیبی از دو دسته خبر است؛ چنانکه هر کدام از دو مؤلفه متن آن به طور جداگانه نیز به دست رسیده است؛ متون مربوط به دسته دوم به تفصیل از نظر گذشت، متن جداگانه مربوط به دسته اول نیز از ابن مسعود نقل شده است (ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۹).

دو مؤلفه موجود در اخبار ابن مسعود، از امام علی (علیه السلام) نیز نقل شده است؛ مؤلفه شرورترین بودن مردمانی که در هنگام رسیدن قیامت زنده‌اند در یک خبر (نعیم بن حماد، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۴۴) و مؤلفه شرور بودن کسی که از قبر مسجد اتخاذ می‌کند، در خبری دیگر. (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۵) البته خبری مشتمل بر هر دو مؤلفه نیز با یک سند از ایشان نقل شده است (ر.ک: معمر بن راشد، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۴۰۲؛ بزار، ۱۹۹۸م، ج ۳، ص ۷۷).



۱-۶-۱. اخبار ابو عبیده بن جراح

این دسته سه روایت منقول از ابو عبیده بن جراح (د. ۱۸ق) را در بر می‌گیرد. ابو عبیده از کسانی بود که در هجرت دوم به حبشه شرکت داشت. وی اهل مکه بود، بعد از هجرت مسلمانان به مدینه در آنجا حضور یافت و در جنگ‌ها پیامبر (صلی الله علیه و آله) را همراهی کرد. طبق گزارش‌های تاریخی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از ماجرای مباحله، وی را به عنوان امین و والی خود به سوی اهل نجران فرستاده است. عمر بعد از خلافت او را به فرمانروایی شام برگزید. وی در سال ۱۸ق در طاعون عمواس درگذشت (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۳۸۴-۳۸۵؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸).



شکل ۶: نمودار اخبار ابو عبیده بن جراح

۱-۶-۱-۱. تحلیل اسناد اخبار ابو عبیده بن جراح

ابراهیم بن میمون [د. بین ۱۴۱ تا ۱۵۰، کوفه] ← سعد بن سمره ← سمره بن جندب [د. ۵۸، بصره] ← ابو عبیده بن جراح [د. ۱۸، مکه]، قسمت مشترک اسناد این اخبار است. از ابراهیم بن میمون سه تحریر نقل شده است؛ ابواحمد زبیری [د. ۲۰۳، کوفه ← اهواز]، یحیی بن سعید [د. ۱۹۸، بصره ← بغداد] و وکیع بن جراح [د. ۱۹۷، کوفه] راویان او هستند. نمودار سند این اخبار در شکل ۶ نشان داده شده است. طبق این نمودار، ابراهیم بن میمون در نیمه اول قرن دوم این خبر را در کوفه رواج داده است.

۱-۶-۱-۲. تحلیل متنی اخبار ابو عبیده بن جراح

در متن این خبر، ابو عبیده قبل از بیان خبر به عنوان مقدمه می‌گوید: «از آخرین سخنانی که رسول خدا به آن تکلم کرد، این بود» و او به این وسیله کلام منقولش را به عنوان نظر نهایی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی می‌کند. در تحریر ابواحمد زبیری و یحیی بن سعید، آنچه ابو عبیده از پیامبر

نقل می‌کند، دو بخش دارد؛ بخش اول فرمان اخراج یهود از جزیره العرب است. البته در تحریر ابواحمد تنها صحبت از اخراج یهود حجاز از جزیره العرب است: «أَنْ أُخْرِجُوا يَهُودَ الْحِجَازِ مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۲۳) اما در تحریر یحیی فرمان اخراج یهود اهل نجران را نیز در بر می‌گیرد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۲۱). بخش دوم نیز در مقام تعلیل به یکی از رفتارهای آنان که همان تبدیل قبر به مسجد است اشاره دارد؛ در تحریر ابواحمد آمده است: «بدانید که بدترین مردمان کسانی هستند که قبور را به مسجد تبدیل می‌کنند. تحریر یحیی نیز همین عبارت را با تفاوتی جزئی بیان می‌کند: «... قبور پیامبرانشان ...». اما تحریر وکیع فاقد بخش اخیر و تنها مشتمل بر فرمان اخراج یهود اهل حجاز و اهل نجران است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۲۷).

در الموطأ مالک روایتی مرسل آمده است که از وجهی به اخبار ابوهریره و از وجه دیگر به اخبار ابوعبیده شبیه است: «مَالِكٌ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي حَكِيمٍ [د. ۱۳۰، مدینه] أَنَّهُ سَمِعَ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ [د. ۱۰۱، مدینه] سَمِعَانَ يَقُولُ: كَانَ مِنْ آخِرِ مَا تَكَلَّمَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ قَالَ: «قَاتِلِ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى. اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ. لَا يَبْقِيَنَّ دِينَارٌ بِأَرْضِ الْعَرَبِ» (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۸۹۲). توجه عمر بن عبدالعزیز حاکم اموی به این خبر محل تأمل است. وی بعد از نقل لعن یهود و نصاری از سوی پیامبر ^(صلی الله علیه وآله)، دلیل آن را اتخاذ مسجد از قبور مطرح کرده و در ادامه می‌افزاید: «دو دین در سرزمین عرب باقی نمی‌مانند» مؤلفه اخیر به گونه‌ای به یکسان‌سازی دین سرزمین عرب از طریق اخراج پیروان دیگر ادیان اشاره دارد.

در اینجا یادکرد یک نکته تاریخی ضروری به نظر می‌رسد؛ در سال ۲۰ق، عمر یهودیان را از خیبر اخراج کرد و یهود اهل نجران را نیز به کوفه کوچاند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۱۲) چنانکه از مالک نقل شده است، عمر یهودیان اهل نجران و فدک را کوچ داد (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۸۹۲). گویند عمر هنگام اخراج آنها سه روز برای باقی ماندن در مدینه و تهیه مایحتاجشان، به آنها فرصت داد (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۸) چنانکه مالک از ابن شهاب نقل کرده است، عمر با شنیدن خبر منقول از پیامبر ^(صلی الله علیه وآله) که «دو دین در جزیره العرب جمع نمی‌شوند»، به جستجو از صحت آن برآمد و بعد از اطمینان، یهود خیبر را کوچ داد. مالک اضافه می‌کند که عمر یهود نجران و فدک را نیز کوچاند است (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۵۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۸۱).

عمر در این زمینه به قول پیامبر ^(صلی الله علیه وآله) استناد کرد؛ وی خود از پیامبر ^(صلی الله علیه وآله) نقل کرده است که ایشان فرموده است «اگر زنده باشم، یهود را از جزیره العرب اخراج می‌کنم» و آنگاه به یهودیان



گفت: هرآنکس از شما که عهده‌ی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد، بیاورد تا او را رها کنیم و هرآنکه ندارد را اخراج می‌کنم (ابن حبان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۸۱) حتی از امام علی (علیه السلام) چنین نقل شده است: «پیامبر به من گفت: اگر پس از من خلافت را به عهده گرفتی، اهل نجران را از جزیره العرب اخراج کن» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۵۸).

خبر پیش‌گفته با استفاده از فعل «أخرجوا» این آیه را تداعی می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعُُهُمْ كُحُولُهُمْ مِنَ اللَّهِ» (حشر: ۲). البته به یقین نمی‌توان گفت که استفاده از این فعل از سوی راوی، عمداً و برای یادآوری این آیه صورت گرفته تا فعل اخراج را بیش از پیش مشروع جلوه دهد. به هر حال، خبر عمر بن عبدالعزیز نشان می‌دهد در اوایل قرن دوم، عملکرد عمر در اخراج اهل کتاب و اخبار مورد استناد آن بار دیگر بین سیاستمداران مورد توجه قرار گرفته است.

در انتها به خبری از جندب بن سفیان (د. ۶۰ق، کوفه - بصره) اشاره می‌شود که در هیچ‌یک از دسته‌های پیشین جای نگرفت و از آنجا که تنها با یک سند به دست رسیده است، در یک دسته جداگانه نیز ذکر نشد؛ در این خبر، جندب ادعا می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) پنج روز پیش از رحلتش فرموده است: من در بین شما خلیلی ندارم، چراکه خدا مرا همچون ابراهیم (علیه السلام) خلیل خود گرفته است، اگر قرار بود از بین امتم خلیلی انتخاب کنم، آن فرد ابوبکر بود. آنگاه می‌افزاید: کسانی که پیش از شما بودند قبور پیامبران و صالحانشان را به مسجد تبدیل کردند، شما قبور را به مسجد تبدیل نکنید، من شما را از آن نهی می‌کنم (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۳۷۷). همنشینی مؤلفه خلیل بودن خلیفه اول با مؤلفه نحوه تعامل با مدفن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، نشان می‌دهد در همان آغازین روزهای پس از رحلت ایشان (صلی الله علیه و آله)، مضمون محل بحث مورد توجه سیاستمداران بوده است.

نتایج تحقیق

اخبار مشتمل بر نهی پیامبر از ساخت مسجد بر قبور انبیاء یا قبور به طور عام، بر اساس شباهت‌های متنی و سندی به شش دسته تقسیم شده و هرکدام جداگانه مورد تحلیل اسناد - متن قرار گرفتند. در نتیجه، می‌توان آنها را اینگونه تاریخ‌گذاری کرد:

۱- در اخبار عایشه (د. ۵۷ق)، حلقه مشترک خود اوست، در نتیجه، اصل خبر زمانی در نیمه اول قرن اول ایجاد شده است. اما طبق روش اسناد - متن، تنها وجه مشترک اخبار را می‌توان به او نسبت داد. جز تحریرهای هلال (د. ۱۲۱-۱۳۰ق) که اتخاذ مسجد از قبور را یک ویژگی دینی

جلوه داده و با لعن یهود و نصاری آغاز می‌کند، بقیه تحریرها آن را یک ویژگی قومی دانسته و عمل اتخاذ مسجد از قبور - و نه پیروان یک دین خاص - را مذمت می‌کنند. با انتساب ویژگی خاص تحریرهای هلال به خود او، باید گفت مؤلفه مذمت یهود و نصاری در دهه‌های آغازین سده دوم به این خبر افزوده شده است.

۲- اخبار عایشه و ابن عباس نیز به این عمل جلوه دینی داده و به لعن یهود و نصاری می‌پردازد. در این اخبار حلقه مشترک زهری (د. ۱۲۴ق) است که نشان می‌دهد در دهه‌های آغازین سده دوم منتشر شده‌اند.

۳- در اخبار ابن عباس از انبیاء به عنوان کسانی که مسجد بر قبر آنها ایجاد شده و نیز یهود و نصاری به عنوان اقوامی که فعل اتخاذ مسجد به آنها نسبت داده شده، نامی برده نشده است، بلکه تنها لعن سه گروه به صورت مختصر مطرح شده که یکی از آنها کسانی هستند که قبر را به مسجد بدل کرده‌اند. به نظر می‌رسد اخبار این دسته در واقع ترکیبی از اخبار بیانگر لعن هریک از گروه‌های نام‌برده در آن بوده و بعد از رواج اخبار مستقل هر دسته منتشر شده‌اند. درگذشت ابن جحاده حلقه مشترک این اخبار در ۱۳۱ق، آن را به دهه‌های نخستین سده دوم می‌رساند.

۴- در اخبار ابوهریره (د. ۵۸ق) نیز اگر نقل ابوصالح و یزید بن اصم را با وجود عدم برخوردار بودن از حلقه مشترک فرعی اصیل بشماریم، حلقه مشترک اصلی ابوهریره (د. ۵۸ق) و سال انتشار خبر اندکی قبل از درگذشت او خواهد بود. زهری (د. ۱۲۴ق) و مالک (د. ۱۷۹ق) نیز حلقه مشترک‌های فرعی هستند. در غیر این صورت، زهری حلقه مشترک اصلی و مالک حلقه مشترک فرعی خواهد بود و خبر در اوایل قرن دوم هجری منتشر شده است. این خبر نیز با لعن یهود و نصاری آغاز شده و سپس دلیل آن را اتخاذ مسجد از قبور انبیاء مطرح کرده است.

۵- در اخبار ابن مسعود نیز اگر خبر منفرد عبیده را اصیل بشماریم، حلقه مشترک اصلی خود ابن مسعود (د. ۳۲ق) و رواج خبر پیش از درگذشت او خواهد بود. در غیر این صورت، زائده بن قدامه (د. ۱۶۱ق) حلقه مشترک اصلی و حسین بن علی حلقه مشترک فرعی این خبر است، لذا این دسته از اخبار پیش از سال ۱۶۱ق منتشر شده‌اند.

۶- در خبر ابوعبیده جراح، ابراهیم بن میمون (د. بین ۱۴۱ تا ۱۵۰ق) حلقه مشترک است و آن را در نیمه اول قرن دوم رواج داده است. این خبر نه تنها اتخاذ مسجد از قبور را یک فعل دینی جلوه داده، بلکه مجوز اخراج یهود از جزیره العرب را از آن استفاده کرده است.



در مجموع باید گفت به نظر می‌رسد صورت اصلی خبر که در مقام نهی از ساخت مسجد بر روی قبور به عنوان یک ویژگی قومی و مذمت این فعل است، در نیمه اول قرن اول رواج داشته است. گرچه می‌توان گفت برخی از تحریرهایی که این فعل را یک ویژگی دینی جلوه داده و به لعن یهود و نصاری می‌پردازند در نیمه اول قرن اول ایجاد شده‌اند و همزمانی آن با اخراج یهودیان از جزیره العرب و یکسان‌سازی دین این منطقه نیز آن را تأیید می‌کند، اما قطعی است که روند گسترش تحریرهای اخیر نسبت به صورت اصلی خبر در گذر زمان سیر صعودی داشته و حتی در تحریرهای متأخرتر آشکارا شاهد استفاده سیاسی از آن هستیم.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد. (۱۲۷۱ق)، *الجرح و التعديل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ابن ابی شیبہ، ابوبکر. (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، محقق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد.
 ابن اسحاق، محمد. (۱۳۹۸ق)، *السیره*، محقق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
 ابن حبان، أبو حاتم محمد. (۱۳۹۳ق)، *الثقات*، حیدرآباد الدکن: دائرة المعارف العثمانیة.
 ابن حبان، أبو حاتم محمد. (۱۴۱۴ق)، *الصحيح*، محقق: شعيب الأرنؤوط، بیروت: الرسالة.
 ابن حبان، أبو حاتم محمد. (۱۴۱۷ق)، *السیره النبویة وأخبار الخلفاء*، بیروت: الکتب الثقافیة.
 ابن حجر عسقلانی. (۱۳۷۹ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفة.
 ابن حنبل، احمد. (۱۴۲۱ق)، *المسند*، محقق: شعيب الأرنؤوط و دیگران، بی‌جا: مؤسسه الرسالة.
 ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۹۰۰م)، *وفیات الأعیان*، محقق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.
 ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق)، *المسند*، محقق: عبدالغفور بلوشی، مدینه: مکتبه الایمان.
 ابن رجب، عبدالرحمن. (۱۴۱۷ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقیق: محمود عبدالقاصد و دیگران، مدینه: مکتبه الغربی الاثریة.
 ابن سعد، محمد بن منیع. (۱۴۱۴ق)، *الطبقات الکبری متمم الصحابه*، محقق: محمد سلمی، طائف، مکتبه الصدیق.
 ابن سعد، محمد بن منیع. (۱۹۶۸م)، *الطبقات الکبری*، محقق: احسان عباس، بیروت: دارصار.

- ابن سعد، محمد بن منيع. (۱۴۰۸ق)، *الطبقات الكبرى متمم التابعين*، محقق: زياد منصور، مدينه: مكتبة العلوم والحكم.
- ابن سيده، علي بن اسماعيل (۱۴۲۱ق)، *المحكم والمحيط الاعظم*، محقق: عبدالحميد هندواوي، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بی جا: دارالفكر.
- ابن منجويه، احمد بن علي. (۱۴۰۷ق)، *رجال صحيح مسلم*، محقق: عبدالله ليشي، بيروت: دارالمعرفة.
- ابن منده، يحيى بن عبدالوهاب. (۱۴۱۷ق)، *فتح الباب في الكنى و الألقاب*، محقق: ابوقتيبة نظر محمد فاريابي، رياض: مكتبة الكوثر.
- ابوعوانه، يعقوب بن اسحاق. (۱۴۱۹ق)، *المستخرج*، محقق: ايمن بن عارف الدمشقي، بيروت: دارالمعرفة.
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله. (۱۴۱۹ق)، *معرفة الصحابة*، محقق: عادل فرازي، رياض: دار الوطن للنشر.
- باجي، أبو الوليد. (۱۴۰۶)، *التعديل و التجريح*، محقق: أبولبابة حسين، رياض: دار اللواء للنشر و التوزيع.
- بخاري، محمد بن اسماعيل. (بي تا)، *تاريخ الكبير للبخاري بحواشي محمود خليل*، حيدر آباد الدكن: دائرة المعارف العثمانية.
- بخاري، محمد بن اسماعيل. (۱۴۲۲ق)، *الصحيح*، بيروت: دار طوق النجاة.
- بزار، ابوبكر (۱۹۹۸م)، *المسند*، محقق: محفوظ زين الله و ديگران، مدينه: مكتبة العلوم والحكم.
- بلاذري، احمد بن يحيى. (۱۴۱۷ق)، *أنساب الأشراف*، محقق: سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دارالفكر.
- بيهقي، احمد بن حسين. (۱۴۱۰)، *السنن الصغيرة*، محقق: عبد المعطي أمين قلجعي، كراتشي: جامعة الدراسات الاسلامية.
- بيهقي، احمد بن حسين. (۱۴۱۲)، *معرفة السنن والآثار*، محقق: عبدالمعطي أمين قلجعي، بيروت: دار قتيبة.
- بيهقي، احمد بن حسين. (۱۴۲۴ق)، *السنن الكبرى*، محقق: محمد عبدالقادر عطاء، بيروت: دارالكتب العلمية.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد. (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالكتب العلمية.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (١٤٢٢ق)، *تاریخ بغداد*، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

ذهبی، شمس الدین. (١٤٠٥ق)، *سیر اعلام النبلاء*، محقق: شعیب ارناؤوط، بی جا: الرسالة.

ذهبی، شمس الدین. (٢٠٠٣م)، *تاریخ الاسلام*، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

سراج، عبدالله. (١٤٢٣ق)، *المسند*، محقق: ارشاد الحق الاثری، فیصل آباد: اداره العلوم الاثریة.

سراج، عبدالله. (١٤٢٥ق)، *الحديث*، محقق: حسین بن عکاشة، بی جا: الفاروق الحدیثیة للطباعة والنشر.

شاه پسند، الهه؛ وحید نیا، آلاء (١٣٩٧)، «تأثیر عقیده مذكر انگاری قرآن بر قرائات هفت گانه»، *دوفصلنامه*

مطالعات قرآن و حدیث، سال ١١، شماره ٢٢، صص ١٣٤-١١١.

صنعانی، عبدالرزاق (١٤٠٣ق)، *المصنف*، محقق: حبیب الرحمن أعظمی، بیروت: المكتب الاسلامی.

طبری، ابوجعفر (١٣٨٧ق)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالتراث.

طریحی، فخرالدین (١٣٧٥ش)، *مجمع البحرين*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.

عینی، بدرالدین (١٣٤٨)، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Bibliography:

The Holy Quran.

Ibn Abi Hatam (1271 AH), *Al-Jarh wa Al-Tadil*, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.

Ibn Abi Shaybah, Abu Bakr (1409 AH), *Al-Musnaf*, researcher: Kamal Yusuf Al-Hout, Riyadh: Maktab al-Rashad.

Ibn Ishaq, Muhammad (1398 AH), biography, researcher: Soheil Zakar, Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn haban (1393 AH), *Al-Thaqat*, Hyderabad Al-Dakkan: Department of Ottoman Encyclopedia.

Ibn haban (1414 AH), *Al-Sahih*, researcher: Shoaib Al-Arnout, Beirut: Letter.

Ibn haban (1417 AH), *The Prophetic Biography and the News of the Caliphs*, Beirut: The Cultural Book.

Ibn Hajr Asqalani (1379 AH), *Fath al-Barri Sharh Sahih al-Bukhari*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Ibn hanbal, Ahmad (1421 AH), *Al-Musnad*, researcher: Shoaib Al-Arnout and others, Bija: Al-Risalah Foundation.

- Ibn Khalakan (1900 AD), The Death of the Nobles, Researcher: Ehsan Abbas, Beirut: Dar Sader.
- Ibn Rahwiyah (1412 AH), Al-Musnad, researcher: Abdul Ghafoor Balushi, Medina: Maktab al-Iman.
- Ibn Rajab (1417 AH), Fath al-Bari, Sharh Sahih al-Bukhari, research: Mahmud Abd al-Maqsud and others, Medina: Al-Gharbi Al-Athariyah School.
- Ibn Sa'd (1414 AH), Al-Tabqat al-Kubra, supplement to the Companions, researcher: Muhammad Salmi, Taif, Maktab al-Siddiq.
- Ibn Sa'd (1968), Al-Tabqat Al-Kubra, researcher: Ehsan Abbas, Beirut: Darsar.
- Ibn Sa'd (1408 AH), Al-Tabqat Al-Kubra, Supplementary Officers, Researcher: Ziad Mansour, Medina: Maktab al-Ulum wa al-Hakam.
- Ibn Usaydah, Ali Ibn Ismail (1421 AH), Al-Mahkam wa Al-Muhit Al-Azam, Researcher: Abdul Hamid Hindawi, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Ibn Kathir (1407 AH), The Beginning and the End, Bija: Dar al-Fikr.
- Ibn Manjuyeh (1407 AH), Sahih Muslim men, researcher: Abdullah Laithi, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Ibn Mandeh (1417 AH), Fath al-Bab fi al-Kani wa al-Aqbab, researcher: Abu Qutaybah Nazar Muhammad Faryabi, Riyadh: Muktab al-Kawthar.
- Abu Awaneh (1419 AH), Al-Mustakhrij, researcher: Ayman Ibn Aref Al-Damashqi, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Abu Naeem Isfahani (1419 AH), The Knowledge of the Companions, Researcher: Adel Farazi, Riyadh: Dar al-Watan for publishing.
- Baji, Abu al-Waleed (1406), Modification and Exercise, Researcher: Abu Baba Hussein, Riyadh: Dar al-Lawa 'for publishing and distribution.
- Bukhari, (Bita), Al-Kabir History of Bukhari by Mahmoud Khalil, Hyderabad Al-Dakkan: Ottoman Encyclopedia.
- Bukhari, (1422 AH), Al-Sahih, Beirut: Dar Tawq Al-Najah.
- Bazzar, Abu Bakr (1998), Al-Musnad, researcher: Mahfouz Zainullah and others, Medina: Maktab al-Uloom wa al-Hakam.
- Blazeri (1417 AH), Ansab al-Ashraf, researcher: Soheil Zakar and Riyad Zarkali, Beirut: Dar al-Fikr.
- Bayhaqi (1410), Al-Sunan Al-Saghir, Researcher: Abd al-Mu'ti Amin Qalaji, Karatashi: Society of Islamic Studies.
- Bayhaqi (1412), Knowledge of Sunnah and Works, Researcher: Abdul Muati Amin Qalaji, Beirut: Dar Qutaybah.
- Bayhaqi (1424 AH), Sunan al-Kubra, researcher: Muhammad Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Johari, Ismail Ibn Hammad (1376 AH), Al-Sahah, researcher: Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.

- Khatib Baghdadi (1422 AH), History of Baghdad, Researcher: Bashar Awad Maruf, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Zahabi, Shams al-Din (1405 AH), The journey of announcing the nobles, researcher: Shoaib Arnaout, Bija: the message.
- Zahabi, Shamsuddin (2003), Tarikh al-Islam, researcher: Bashar Awad Maruf, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Seraj (1423 AH), Al-Musnad, researcher: Irshad Al-Haq Al-Athari, Faisalabad: Adar Al-Ulum Al-Athari.
- Seraj (1425 AH), Hadith, Researcher: Hussein Ibn Akasha, Bija: Al-Farooq Al-Hadith for printing and publishing.
- Shahpasand, Elahe; Vahidnia, Alaa (1397), "The effect of the masculine belief of the Qur'an on the weekly readings", Bi-Quarterly Journal of Quranic and Hadith Studies, Volume 11, Number 22, pp. 134-111.
- Sanaani, Abdul Razzaq (1403 AH), Al-Musnaf, researcher: Habib Al-Rahman Azami, Beirut: Islamic School.
- Tabari, Abu Ja'far (1387 AH), Tarikh al-Tabari, Beirut: Dar al-Tarath.
- Tarihi, Fakhreddin (1996), Bahrain Assembly, Researcher: Ahmad Hosseini Eshkori, Tehran: Mortazavi.
- Aini, Badruddin (1348), Mainly Qari Sharh Sahih Al-Bukhari, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.